

افتخار بندگی^۱

استاد شدن در تمام زمینه‌ها برای انسان ممکن نیست. به همین جهت پیروی از متخصصان و صاحب‌نظران، در رشته‌های مختلف کاری بسیار عاقلانه و پسندیده است. به عنوان مثال برای مداوا باید به پزشکی که سال‌ها در این زمینه درس خوانده مراجعه کنیم. در مسائل دینی نیز همین‌طور است. به کسی که توانایی لازم را برای بیرون آوردن احکام از قرآن، سنت و... پیدا کرده مجتهد می‌گویند و تلاش مجتهد برای بیرون آوردن احکام را اجتهاد می‌نامند.

پیروی فرد غیرمجتهد از عالم مجتهد، تقلید نام دارد و به انجام‌دهنده تقلید، مقلد می‌گویند. تقلید تصمیمی عاقلانه است که مقلد برای اطمینان از درستی اعمال دینی، آن را انجام می‌دهد.

باید دانست که تقلید در مسائل اعتقادی و باورهای دینی، صحیح نیست چون هر فرد وظیفه دارد به اندازه توانش از مسائل اعتقادی آگاه شود. از طرف دیگر اعمال دینی از اعتقادات دینی سرچشمه می‌گیرد و باید هر کس برای خود دارای عقیده‌ای همراه با شناخت و باور شخصی باشد.

برخی از شرایط مجتهد عبارت‌اند از:

۱- تسلط بر قرآن، (یعنی احکامی که در قرآن بیان شده

است.)



۱- جابگزین صفحات ۷۱ و ۷۲ از کتاب عمومی (ابتدای «راه شناخت تکالیف دینی» تا انتهای صفحه ۷۲).

- ۲- تسلط بر سنت (یعنی احکامی که در سنت بیان شده است).
 - ۳- تسلط بر آراء و نظرات صحابه و مجتهدان در زمینه احکام
 - ۴- دانستن زبان عربی در حدی که برای درک و دریافت احکام لازم است.
- البته ایمان و پابندی به دین و عادل بودن، لازمه کار مجتهد است و اینکه این موارد معمولاً در شرایط مجتهد ذکر نمی‌شود، به خاطر شدت آشکار بودن آنهاست.

فعالیت کلاسی

الف) توضیح دهید از میان انواع تقلیدی که در زیر آمده، کدام درست و کدام نادرست

است؟

- ☐ - تقلید غیر عالم از غیر عالم
- ☐ - تقلید عالم از غیر عالم
- ☐ - تقلید غیر عالم از عالم و مجتهد
- ☐ - تقلید عالم غیر مجتهد از عالم مجتهد

ب) با توجه به شرایطی که برای مجتهد خواندیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهید و علت را توضیح دهید :

- ۱- آیا فرد غیر مجتهد می‌تواند در مسئله توحید و یگانگی خداوند، از مجتهد تقلید کند؟
- ۲- آیا می‌توان به فردی که توانایی اجتهاد دارد، اما پابندی به دین و تقوا در او ضعیف است، اعتماد نمود و از وی تقلید کرد؟
- ۳- آیا تقلید مقلد از مجتهد، همان تقلید ناپسند است یا کاری عاقلانه و درست است؟ چرا؟

دوری از اظهار نظر غیر عالمانه

برخی افراد بدون اطلاع و آگاهی از احکام دینی، گاهی در مسائل دینی (خصوصاً احکام) اظهار نظر می‌کنند. این کار، بسیار ناپسند است و در آخرت نیز مورد بازخواست قرار می‌گیرد. خداوند سخن گفتن از دین را ممنوع نکرده است، اما از انسان‌ها می‌خواهد با علم و آگاهی و دلیل از دین سخن بگویند. مسلمان موظف است در مورد موضوعی که نمی‌داند تحقیق کند؛ سپس با اخلاص و امانت‌داری درباره مسائل دینی حرف بزند. در غیر این صورت کلمه نمی‌داند و سکوت کردن بر انسان واجب است. با این کار، هم ایمان فرد و هم دین خدا، از خدشه‌دار شدن در امان می‌ماند. مطالعه کردن و پرسش نمودن از اهل علم می‌تواند توان علمی ما را بالا ببرد و بر میزان معلومات دینی ما بیفزاید.



درس دهم

به سوی پاکی^۱

مطهرات (پاک‌کننده‌ها)

آخرهای زنگ ورزش بود. امیر که خیلی خسته شده بود اجازه گرفت، از بازی بیرون آمد و کنار حسین نشست. هنوز با هم احوالپرسی نکرده بودند که یک دفعه نگاه حسین به آرنج دست چپ امیر افتاد و گفت: امیر از دستت خون می‌آید؟

امیر به دستش نگاه کرد و گفت: وای؟ کی اینطوری شد؟ پس چرا خودم متوجه نشدم؟ حتماً همان وقتی که برای گرفتن توپ روی زمین شیرجه زدم اینطوری شد. عیبی ندارد الان درستش می‌کنم. او آستینش را - که خیلی خونی شده بود - بالا زد و سپس دستمال تمیزی روی دستش گذاشت و گفت: اینطوری خودش کم کم بند می‌آید.

آن شب حسین برای نماز به مسجد رفته بود. بعد از نماز امیر را هم در مسجد دید. وقتی پیش او رفت با تعجب گفت: ببینم لباس خونی‌ات را برای نماز عوض نکردی؟

- ای بابا! مگر چقدر بود که به خاطرش لباسم را عوض کنم؟
- اصلاً طوری وضو گرفته‌ای که هنوز خون بر دستت مانده است. نکند دست چپت را هنگام وضو گرفتن فراموش کرده‌ای که خون روی آن پاک نشده است؟

- یک ذره خون که شستن ندارد. تو هم خیلی سخت می‌گیری.
- فکر می‌کنم هم وضویت به خاطر این سهل‌انگاری باطل است هم نمازت.
- چرا؟ مگر نماز وضوی من چه اشکالی داشت؟

به نظر من بهتر است برویم پیش آقای فروتن، امام جماعت مسجد و از او بپرسیم. آقای فروتن بعد از شنیدن حرف‌های آنان، رو به امیر کرد و گفت: پسرم برای پاک کردن چیزی که نجس است، باید آنقدر

۱- جایگزین صفحات ۷۶ تا ۷۸ از کتاب مشترک (از ابتدای «مطهرات» تا انتهای صفحه ۷۸)



دقت کنیم که رنگ و بوی آن را برطرف کنیم مگر چیزهایی که معمولاً بو یا رنگ ضعیفی از آنها می ماند و اگر خون بر بدن جاری شود، به راحتی شسته می شود، و معلوم است که تو این کار را نکرده ای. ضمناً خونی که بر لباس مانده زیاد است و لباس تو نجس است و نماز خواندن با آن صحیح نیست.

— یعنی اگر کم بود اشکال نداشت؟

بله خون خود شخص، اگر در حد قطره ای یا به اندازه سکه ای باشد، نماز با آن صحیح است و لازم نیست لباس آغشته به آن شسته شود هر چند که شستن و برداشتن این خون هم، بهتر است. ولی خون دست و آستین تو، از این مقدار بیشتر است.

— امیر از آقای فروتن پرسید: هر چیزی که نجس می شود، حتماً باید با آب شسته شود تا پاک گردد؟

— البته آب اصلی ترین پاک کننده است اما، برای پاک کردن بعضی از نجاسات لازم نیست حتماً

آنها را بشوییم. مثلاً وقتی کف کفش کسی نجس می شود همین که مقداری روی زمین خشک (خاک و

سنگ) راه برود و خود نجاست برطرف شود، پای او پاک می‌شود و نیازی به شستن ندارد. همچنین با دستمال پاک و یا سنگ محل دفع ادرار و مدفوع، پاک می‌شود و لازم نیست حتماً با آب، پاک گردد. بعضی از نجس‌ها هم به شیوه‌ای مخصوص، پاک می‌گردند. مثلاً چیزی که توسط سگ نجس می‌شود با شستن تنها پاک نمی‌شود، بلکه شستن آن شیوه خاصی دارد.^۱

بیشتر بدانیم

- با توجه به اینکه دین اسلام، دین آسانگیری است، موارد زیر مورد عفو قرار گرفته و در صورت وجود آنها بر بدن و لباس، نماز صحیح است.
- ۱- گل خیابان‌ها و معابر که اندک باشد و به لباس آغشته شود.
 - ۲- چیزهای اندکی که چشم سالم آنها را نمی‌بیند؛ از قبیل ذرات اندک ادرار و چیزهای نجس اندکی که پای مگس و مورچه و جیرجیرک و حشرات دیگر به آن آلوده است و از طریق آنها به بدن یا لباس انسان برخورد می‌کند.
 - ۳- فضله پرندگان مساجد بزرگ، چون معمولاً گریزی از آنها نیست.
 - ۴- آب تاول‌ها و جوش‌های بدن، البته به شرطی که تغییر نکرده باشد (در صورت تغییر از حالت عادی، ناپاک و نجس است).

خودت را امتحان کن

- ۱- برای پاک کردن چیزهایی که نجس شده‌اند چه باید کرد؟
- ۲- برای پاک کردن لباس یا بدنی که سگ آن را نجس کرده چه باید کرد؟
- ۳- آیا نماز کسی که محل دفع ادرارش را با دستمال کاغذی پاک کرده، صحیح است؟

۱- شیوه تطهیر چیز نجس شده توسط سگ را از معلم محترم خود سؤال کنید.



درس یازدهم

ستون دین^۱

اللَّهُ اکبر ...

اللَّهُ اکبر ...

این صدای احسان بود که با اذان خود همه را به نماز دعوت می کرد.
شکیب و متین وضو گرفتند و به نمازخانه رفتند. آقای پارسا معلم درس دینی و امام جماعت مدرسه رو به بچه ها در محراب نشسته بود و با کسانی که وارد می شدند، سلام و احوالپرسی می کرد.
متین و شکیب هم بعد از سلام با آقای پارسا، نزدیک او نشستند. متین که از ورزش خسته شده بود، رو به شکیب کرد و گفت: «کاش می شد همین طور نشسته نمازمان را بخوانیم.»
شکیب جواب داد: خوب نشسته بخوان، این که اشکالی ندارد، پدر بزرگ من همیشه نشسته نماز می خواند، اگر هم شک داری از آقای پارسا بپرس.

متین رو به آقای پارسا کرد و پرسید: بیخشید آقا ما می توانیم نمازمان را نشسته بخوانیم؟
آقای پارسا در جواب گفت: ایستادن یکی از ارکان نماز است و نمازگزار باید تا جایی که برایش امکان دارد نمازش را ایستاده بخواند. تنها کسانی می توانند نمازشان را نشسته بخوانند که به دلیل ناتوانی یا بیماری قادر به ایستادن در نماز نباشند (و یا اینکه نمازشان نماز فرض نباشد و نماز سنت بخوانند).

۱- جایگزین صفحات ۸۳ تا ۸۵ و ۸۶ (از ابتدای «واجبات نماز» تا انتهای صفحه ۸۶).

— یعنی در نماز سنت ایستادن لازم نیست؟

— نه پسر من ولی بهتر است نماز سنت را هم ایستاده بخوانیم.

— آقای پارسا اگر کسی خسته شده باشد و بخواهد نمازی درست ولی خلاصه بخواند، باید

چه کار کند، چون بارها دیده‌ام بعضی از بزرگترها نمازشان را بسیار طولانی می‌خوانند.

آقای پارسا گفت: برای مثال نماز صبح را برایتان بیان می‌کنم تا سؤالت را خوب جواب بدهم.

بعد از انجام دادن مقدمات نماز^۱، ابتدا نیت می‌کند برای خشنودی خداوند دو رکعت نماز صبح به جا

می‌آورد، سپس الله اکبر می‌گوید، بعد با حالت ایستاده و دست بسته، سوره حمد و یک سوره کامل یا

چند آیه از قرآن را می‌خواند، در ادامه با گفتن الله اکبر به اندازه‌ای که دستش به زانوهایش برسد و آن

را بگیرد خم می‌شود و سه بار می‌گوید:

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»

بعد می‌ایستد و می‌گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» والله اکبر گویان به سجده

می‌رود. سپس پیشانیش را از زمین بلند کرده والله اکبر می‌گوید و می‌نشیند، به حالتی که آرام بگیرد.

بعد دوباره به سجده رفته و ذکر سجده را سه بار تکرار می‌کند. (یعنی سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ)

— آقای پارسا! می‌شود به جای سه بار یک بار بگوید؟

— بله پسر من، یک بار هم صحیح است. رکعت دوم را هم مانند رکعت اول می‌خواند و پس از

سجده دوم می‌نشیند و می‌گوید:

«التَّحِيَّاتُ — الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ — لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ — وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ» (ذکر تشهد در مذهب حنفی این گونه است: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ

الطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، سپس سر خود را به طرف راست برمی‌گرداند و

می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» و بعد سر خود را به طرف چپ برمی‌گرداند و می‌گوید: «السَّلَامُ

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ». یادتان باشد هر کدام از این کارها، با ترتیبی که گفته شد انجام شود و اگر نماز

۱- منظور وضو گرفتن و خواندن نماز در وقت آن و پوشیدن لباس و روکردن به قبله است که آنها را شروط نماز می‌نامند.

سه رکعتی (مثل نماز مغرب) یا چهار رکعتی (مثل نماز ظهر) باشد رکعت سوم و چهارم فقط سوره حمد را می خواند. ضمناً در نماز سه رکعتی هم دوباره در رکعت سوم تشهد را می خواند، بعد سلام می دهد و رکعت سوم نماز چهار رکعتی، تشهد ندارد اما در پایان رکعت چهارم تشهد لازم است.

شکیب می پرسد: آقای پارسا یعنی فرق نماز سه رکعتی و چهار رکعتی با نماز دو رکعتی فقط همین نخواندن سوره بعد از حمد است؟

— نه عزیزم فرق دیگری هم دارد. تشهد اول این دو نماز قسمت «المُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ» و همچنین «وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ» را ندارد.

— ولی من دیده ام پدرم در نماز صبح دستش را بعد از رکوع دوم به حالت دعا بلند کرده و دعایی می خواند.

— آفرین آن دعا را دعای قنوت می گویند که این است: اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَ تَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَ إِنَّهُ لَا يَنْدِلُ مَنْ وَالَيْتَ وَ لَا يَعْرِضُ مَنْ عَادَيْتَ تَبَارَكَتَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ.^۱» (در مذهب حنفی دعای قنوت در نماز صبح خوانده نمی شود).

ماهان که گفت و گوی سه نفره شکیب، متین و آقای پارسا را گوش می داد، گفت: آقا خواهش می کنم نماز را به صورت نمایشی برایمان چند بار اجرا و تمرین کنید، تا هم نماز فرادئی و هم نماز جماعت را خوب یاد بگیریم. ما هم قول می دهیم همه دعاها و اذکار نماز را حفظ کنیم.

آقای پارسا که انسانی دین دار و معلمی دلسوز و خوب است، گفت: از همین حالا این کار را شروع می کنیم، بچه ها توجه کنید! قبل از نماز جماعت می خواهم آنچه را گفته ام با شما تمرین کنیم.

۱- الفقه المنهجي جلد ۱ ص ۱۴۶ به روایت ابو داود (۱۴۲۵) از حسن بن علی رضی الله عنهما.

فقها و علمای اسلامی در کتاب‌های فقهی ارکان نماز را سیزده مورد دانسته‌اند که عبارتند از :

۱. نیت	۲. قیام با توانایی در نمازهای واجب	۳. تکبیرة الاحرام
۴. خواندن سوره حمد	۵. رکوع	۶. اعتدال بعد از رکوع
۷. دو سجده در هر رکعت	۸. نشستن در بین دو سجده	۹. جلوس در رکعت آخر
۱۰. ترتیب ارکان	۱۱. تشهد در رکعت آخر	۱۲. صلوات بر پیامبر در تشهد آخر
۱۳. سلام اول		

یک بار دیگر صحبت‌های آقای پارسا را به دقت بخوانید و با کمک معلم خود، شماره مربوط به هریک از این ارکان را زیر آن بنویسید.

به بخش‌های عملی و گفتاری نماز، که انجام دادنشان در نماز واجب است (و ترک کردن آنها، نماز را باطل می‌کند) ارکان نماز می‌گویند. نماز به جز ارکان بخش‌های دیگری هم دارد که امید است با مطالعه و کمک معلم و اولیاء، آنها را یاد بگیرید.

بیشتر بدانیم

یک روز پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) در مسجد نشسته بود، ناگهان مردی وارد شد و بر رسول الله، سلام کرد و پیامبر سلام او را جواب داد، آن مرد روبه قبله ایستاد و نماز خواند. وقتی نمازش را تمام کرد و به سوی پیامبر برگشت و سلام کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله)، سلامش را جواب داد و فرمود «برگرد و نماز بخوان چرا که تو نماز نخواندی. آن مرد برگشت و نماز خواند و دوباره نزد پیامبر برگشت و سلام کرد و پیامبر همان جمله را به او امر کرد که نمازش را تکرار کند آن مرد در جواب گفت : قسم به کسی که تو را به حق پیامبر کرد، من بهتر از این نمی‌دانم. رسول خدا به او فرمود : هنگامی که برای نماز برمی‌خیزی، الله اکبر بگو، سپس آنچه را از قرآن برایت ممکن است (یعنی با توجه به مقدار حفظ و وقت و شرایط) قرآن بخوان. سپس با

فروتنی و آرامی رکوع کن، سپس به اعتدال برگرد. سپس آرام سجده کن. بعد از آن با متانت بنشین. سپس بار دیگر با خشوع و آرامی سجده کن، و این روش را در کل قسمت‌های نماز (و در تمام نمازها) در پیش گیر^۱.

از این حدیث فهمیده می‌شود که نماز یک حرکت ورزشی سریع نیست که با گفتن کلماتی انجام می‌شود، بلکه نماز نوعی اظهار ادب و بندگی است که با حرکاتی مؤدبانه و آرام (که بندگی را بیشتر نشان می‌دهد)، انجام می‌گیرد. نماز پیامبر عبادتی زیبا و سرشار از بندگی و محبت خداوند و فروتنی و تواضع بود و صحابه جلیل او به پیروی از رسول اعظم، همین روش را در پیش گرفته بودند.

خودت را امتحان کن

- ۱- ارکان نماز چندتا است؟ آنها را نام ببرید.
- ۲- فرق میان ارکان و غیرارکان، در نماز چیست؟
- ۳- کدام یک از موارد زیر رکن و کدام یک غیررکن است و هر کدام در یک نماز دورکعتی چند مرتبه تکرار می‌شوند: نیت، رکوع، ذکر **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**، اعتدال، ذکر **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**.

پیشنهاد

- ۱- از نماز جماعتی که در آن شرکت می‌کنید، گزارشی تهیه کرده و در کلاس برای معلم و دوستانتان بخوانید.
- ۲- در حضور معلم، امام جماعت یا پدر و مادر خود، یک نماز کامل بخوانید و از آنها بخواهید اشکالات نماز شما را برطرف نمایند.

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۶۲۵۱



درس دوازدهم

نماز جمعه^۱

قطره در دریا

— آقا اجازه! همه آمده‌اند با شما می‌شویم سی نفر.

آقای آدابی نگاهی به ساعتش می‌کند و به آقای راننده می‌گوید: بهتر است راه بیفتید، ممکن است دیر شود. اتوبوس راه می‌افتد، من هم مثل احمد برای اولین بار در راهپیمایی روز قدس شرکت می‌کنم. آقای آدابی لباس سفید و تمیز و مرتبی پوشیده. به او می‌گویم امروز لباس هایتان قشنگ‌تر است. — بله پسر من سنت است در روز جمعه بهترین لباس‌ها پوشیده شود. همچنین در امروز که عید مؤمنان است غسل کردن و عطر زدن و صلوات فرستادن هم با توجه به حدیث رسول الله (صلی الله علیه و آله) کار پسندیده‌ای است.

حالا متوجه شدم که آقای آدابی چه چیزی را زمزمه می‌کند. او که از هر فرصتی برای کار خیر استفاده می‌کند قرآن کوچکی را در می‌آورد و شروع به تلاوت آن می‌کند. وی قبلاً برای ما گفته که خواندن قرآن در ماه رمضان ثواب بیشتری دارد. پس از چند دقیقه قرآنش را می‌بندد و می‌گوید: بچه‌ها! خواندن سوره کهف هم یکی از سنت‌های روز جمعه است.

این آخرین جمعه ماه مبارک رمضان برای من بسیار دوست داشتنی است و خوشحالم که توفیق روزه گرفتن را پیدا کرده‌ام. چیزهای تازه‌ای از آقای آدابی یاد گرفته‌ام و از این جهت که این همه روزه‌دار می‌بینم، در پوستم نمی‌گنجم. از ماشین پیاده می‌شویم. هر قدر که به محل نماز جمعه نزدیکتر می‌شویم جمعیت بیشتر می‌شود. احمد هم مثل من با تعجب به این جمعیت چشم دوخته است (هر چند او سال گذشته هم در مراسم روز قدس شرکت کرده و بارها نماز جمعه خوانده است). در طول مسیر صندوق‌های کمک‌های مردم به برادران و خواهران فلسطینی را جمع‌آوری می‌کنند. چند خبرنگار هم از مردم فیلم و عکس می‌گیرند.

۱- جایگزین صفحات ۹۲ و ۹۳ از کتاب عمومی (از ابتدای «قطره در دریا» تا ابتدای «غسل جمعه»)

صدای شعار مردم و نوشته‌های بزرگ «مرگ بر اسرائیل» گوش و چشم ما را به خود مشغول کرده است. با ورود به محل نماز جمعه کم‌کم صدای شعارها قطع می‌شود، ما هم وارد محل می‌شویم و دو رکعت نماز تحية المسجد^۱ می‌خوانیم.

مؤذن اذان می‌گوید: امام جمعه به جایگاه می‌آید و خطبه^۲ نماز جمعه را شروع می‌کند. موضوع خطبه «عزت امت اسلامی» است. وقتی که خطبه تمام شد می‌ایستم و به احمد می‌گویم بلند شو، الآن وقت نماز می‌شود. احمد آهسته می‌گوید: گویا فراموش کرده‌ای که نماز جمعه دو خطبه دارد. این دو خطبه به



اضافه دو رکعت نماز جمعه جایگزین نماز ظهر می‌شود. بنابراین دو خطبه جزء نماز جمعه است. در این هنگام آقای آدابی که می‌بیند ما با هم حرف می‌زنیم، اشاره می‌کند که ساکت باشیم، چون موقع خواندن خطبه‌ها همه باید ساکت باشند و به خطبه‌ها گوش کنند.

امام جمعه بلند می‌شود و خطبه دوم را شروع می‌کند پس از تمام شدن خطبه، مؤذن اقامه می‌گوید و نماز شروع می‌شود. حالا همه در صف ایستاده‌ایم. امام جمعه امر می‌کند صف‌ها را راست و مرتب کنیم و فاصله‌ها را ببندیم.
الله اکبر...

شیوه اقامه نماز جمعه

دو رکعت نماز جمعه همانند دو رکعت نماز جماعت (مثلاً نماز صبح) است. فقط فرق آن این است که پیش از نماز، دو خطبه خوانده می‌شود. امام جمعه در صورت توانایی می‌ایستد و خطبه را با ستایش خداوند و صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و علی اله) و آل و اصحاب او شروع کرده و با سفارش مردم به تقوی و خواندن آیاتی از قرآن و دعا برای مؤمنان، تمام می‌کند. او در خلال مواردی که ذکر شد، براساس نیازهای مردم در مورد مسائل عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی، صحبت می‌کند.

۱- هنگام ورود به مسجد خواندن دو رکعت نماز سنت است، آن دو رکعت را تحية المسجد می‌گویند. پیامبر به صحابه امر کرده بود که هرگاه وارد مسجد می‌شوند قبل از نشستن دو رکعت بخوانند.
۲- به سخنرانی امام جمعه قبل از اقامه نماز، خطبه می‌گویند.

